

یادداشت:

بخشهایی از نوشته‌ی زیر با موافقت نویسنده حذف شده است. امیدوارم در فرصتی دیگر تمامی نوشته به چاپ برسد.

کلیک

در روزهای ۱۸ و ۱۹ آوریل ۱۹۹۶ مجمعی در شهر پاریس برگزار شد که «زبان فارسی در جهان امروز» نام داشت. سه موسسه‌ی فرانسوی عهده‌دار برپایی این نشست بودند: دانشگاه جدید سوربن، مرکز ملی تحقیقات فرانسه (شعبه‌ی جهان ایرانی) و مدرسه‌ی السنه‌ی شرقی. در دعوتنامه‌ی عامی که برای این مجمع تهیه شده بود، آمده بود: امروز زبان فارسی به نامهای گونه‌گون (یعنی دری، تاجیکی و فارسی) زبان رسمی سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان است. از این گذشته فارسی را باید زبانی بین‌المللی دانست که عهده‌دار نقش تاریخی مهمی بوده است. شمار زیادی از مهاجران نیز در کشورهای مختلف بدین زبان تکلم می‌کنند. برگزارکنندگان مجمع در ضمن بر این نکته تأکید داشتند که در طول قرن بیستم زبان فارسی دستخوش دگرگونیهای زیاد بوده است و تحولات سیاسی مختلفی بر حیات و میدان کاربرد آن اثر نهاده‌اند: فروپاشی امپراتوری عثمانی که زبان فارسی را زبان ادبی خود می‌دانست، شوروی‌سازی آسیای مرکزی که روسی را به‌جای فارسی نشاناند یا میدان‌دادن به‌انگلیسی، اردو و هندی در جهان هند و پاکستانی. در سالهای اخیر رویدادهایی چون انقلاب اسلامی در ایران، تجاوز شوروی به افغانستان و استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی موقعیت تازه‌ای به‌بار آورده‌اند: مهاجرت بخشی از نخبگان، انتشار و در مواردی ناپدیدگشتن برخی از میراثهای زبانی و فرهنگی، توسعه‌ی جغرافیایی فارسی در مناطق تازه و آرایش جهانی جدیدی در حوزه‌های زبان و ادب

فارسی که از مفاخر جهانی به شمار می‌رود. این وضعیت تازه ایجاب می‌کند که به جایگاه زبان فارسی، وضعیت آموزش این زبان و شیوه‌ی بیان ادبی یا تحولات زیانشناختی آن از نو نگاه شود. توجه به زبان فارسی نه تنها در جهان ایرانی، در کشورها و مناطقی که به این زبان سخن می‌گویند از اهمیت برخوردار است، بلکه همچنین توجه به آن در حوزه‌هایی که این زبان همچون زبان اقلیتها به کار می‌رود، یا توجه به حوزه‌های جدید مهاجرت در اروپا و آمریکای شمالی نیز ضرورت دارد.

به قول برگزارکنندگان اجلاس «زبان فارسی در جهان امروز» که با پشتیبانی یونسکو تدارک دیده شده بود می‌بایست به ارزشیابی جایگاه زبان فارسی در جهان امروز توجه کرد و پژوهشگران روزنامه‌نگاران و سیاستگذاران فرهنگی را به منظور تبادل نظر گرد هم آوژد.

گردهمایی زبان فارسی در اصل می‌خواست به چهار حوزه‌ی عمده توجه نشان دهد:
(۱) تاریخ زبان فارسی بیرون از جهان ایرانی.

موقعیت پیشین زبان فارسی به عنوان زبان فرهنگ و تجارت در آسیای مرکزی، هند، قفقاز، امپراتوری عثمانی، آفریقای شرقی و ...

(۲) زبان فارسی در جهان ایرانی امروز (ایران، افغانستان، تاجیکستان).

آفرینشهای ادبی و فرهنگی در فارسی امروز (انتشارات، روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما، فارسی‌زبانان و کسانی که زبان مادریشان فارسی نیست. ارتباطات زبانی و فرهنگی میان کشورها).

(۳) زبان فارسی در خارج از جهان ایرانی در روزگار کنونی.
در این بخش می‌بایست به مسائل زیر توجه شود:

آفرینشهای فرهنگی و ادبی به زبان فارسی (انتشارات، روزنامه، رادیو، تلویزیون، آموزش و جز آن) به ویژه در میان مهاجران جدید در کالیفرنیا، اروپای غربی و استرالیا، اسرائیل، ترکیه، هند و جز آن. در این جا خواسته شده بود که به جایگاه حقوقی فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی به زبان فارسی در کشورهای میزبان توجه شود.

(۴) تنوع و وحدت در فارسی معاصر.

مسائل مورد توجه این حوزه به شرح زیر بود:

ارتباطات رسمی و / یا غیررسمی میان کشورهای فارسی‌زبان و کسانی که در مهاجرت بسر می‌برند. سیاست اشاعه‌ی زبان فارسی از طریق دولت‌ها و سازمانها: اشاعه‌ی مواد نوشتاری و گفتاری از سوی بنگاه‌های سخن‌پراکنی به زبان فارسی. تحول زیانشناختی در فارسی معاصر: فارسی ایران و فارسی مهاجرت: معیارها، تفاوتها، استانداردها، آموزش فارسی در جهان غیرفارسی: روشها و ابزار تعلیم و تربیت (فرهنگها، دستور زبانها).

طبیعی می‌بود که همه‌ی آرمانهای برگزارکنندگان به واقعیت نپیوندد و سازماندهی مجمع بسته به امکانات و سخنرانان شرکت کننده شکل بگیرد.

برای این مجمع سه زبان کار اعلام شده بود: فرانسه، انگلیسی و فارسی. اما به شرکت کنندگان

توصیه شده بود که حتی المقدور به انگلیسی و فرانسه سخن بگویند...

☆

در ۱۸ آوریل سال مسیحی کنونی در تالار مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه نشست همگانی «زبان فارسی در جهان امروز» آغاز به کار کرد. این نشست را چنان که در آغاز نیز آوردم دانشگاه جدید سوربن، مدرسه‌ی السنه و تمدنهای شرقی، و مرکز ملی تحقیقات فرانسه برگزار کرده بودند. جلسه در ساعت نه صبح کار خود را شروع کرد. آقایان یان ریشار (از دانشگاه سوربن)، کریستف بالایی (از مدرسه‌ی السنه و تمدنهای شرقی) و برنار هورکار (از مرکز ملی تحقیقات علمی) جلسه را افتتاح کردند. سپس آقای احسان نراقی از سوی یونسکو صحبت کرد. پس از این جلسه‌ی مقدماتی که در ضمن جنبه‌ی تشریفاتی داشت و می‌بایست به هر حال به یونسکو بابت کمکی که جهت تأمین بخشی از هزینه‌های کنفرانس پرداخت کرده بود، جایی واگذار شود، در ساعت نه و نیم صبح اجلاس رسمی مجمع کار خود را با ریاست آقای دکتر کریمی حکاک شروع کرد. در این جلسه دو سخنران وجود داشت. یکی آقای جلالی بود از آکسفورد و دیگری شریف حسین قاسمی بود از هند. جلالی راجع به آموزش فارسی در بریتانیای کبیر صحبت کرد و قاسمی درباره‌ی زبان فارسی همچون زبان فرهنگی در هند. بعد که در فاصله‌ی جلسات با آقای شریف حسین قاسمی اندکی بیشتر آشنا شدم او را مردی فاضل و دوستدار فرهنگ فارسی یافتم. او نویسنده‌ای فعال است و صاحب چند اثر.

ریاست جلسه‌ی بعد به عهده‌ی مارک گابوریو بود. در این نشست سه سخنران از سه کشور گزارشهای خود را در اختیار مجمع قرار دادند. سخنران نخست آقای دیوید مناشری بود از اسرائیل که به موضوع زبان فارسی در جامعه‌ی یهودی اسرائیل و غرب توجه کرد. مناشری کتابی هم دارد درباره‌ی آموزش در ایران. سخنران دوم از مراکش بود. در دانشگاه پاریس فارسی آموخته بود. او درباره‌ی آموزش زبان فارسی در مراکش و در جهان عرب سخن گفت. پس از ایشان آقای گوشه‌گیر از دانشگاه اهواز راجع به استفاده از فارسی در میان عرب‌زبانان خوزستان مطالبی بیان کرد. به من گفته شد که در این باره و همچنین راجع به اطلاعاتی که راجع به این موضوع می‌دهند اختلاف نظرهایی وجود داشت که برخی از آنها هم در آن جلسه بازتاب پیدا کرد.

جلسه‌ی بعد از ظهر به دو بخش تقسیم شده بود. در بخش اول دو نفر سخنرانی کردند: پروفیسور عاصمی از تاجیکستان و نگارنده‌ی این سطور. آقای پروفیسور عاصمی راجع به گذشته و آینده‌ی زبان فارسی در آسیای مرکزی سخن گفت و من درباره‌ی تأثیر جنگ و انقلاب بر گسترش زبان فارسی در منطقه صحبت کردم. بخش دوم این نشست که به ریاست ایران‌شناس برجسته‌ی فرانسوی آقای ژیلبر لازار اداره شد، سه سخنران داشت. سخنران نخست خانم ایرنه ناخکییا از دانشگاه تفلیس بود که درباره‌ی موقعیت تاریخی و کنونی زبان فارسی در تفلیس صحبت کرد. پس از ایشان دکتر علی رواقی استاد دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان زبان پیرامون

فارسی تاجیکستان مطالبی درخور توجه ارائه کرد که بیانگر پژوهشهای موردی و پیگیر او در این زمینه بود. سر آخر استاد روان فرهادی سخنرانی کرد که هم اکنون نمایندگی دولت افغانستان را در سازمان ملل به دست دارد. ایشان در پاریس درس خوانده است و از دوستاناران و پژوهشگران زبان و ادب فارسی در افغانستان به شمار می رود. آثار آقای روان فرهادی در ایران هم به چاپ رسیده است و برای ایرانیان نامی آشنا و شناخته است. عنوان سخنرانی ایشان چنین بود: به سوی دستیابی به فارسی معیار میان ایران، افغانستان و تاجیکستان.

جلسات روز دوم ساعت نه و نیم صبح آغاز شد. ریاست نخستین جلسه به عهده‌ی من گذاشته شده بود. در این جلسه آقایان دکتر علی اشرف صادقی استاد دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان زبان، و یدالله رویایی شاعر معاصر ایران که در حال حاضر مقیم پاریس است صحبت کردند. دکتر صادقی درباره‌ی نقش فرهنگستان زبان و ادب در زمینه‌ی توسعه‌ی زبان فارسی سخنرانی کرد و گزارشی جامع از تاریخ و تحول این فرهنگستان و همچنین فعالیت‌های جاری آن در اختیار حاضران قرار داد. آقای یدالله رویایی که برای نخستین بار او را می دیدم نوشته‌های خواند راجع به زبان و ارتباط نویسنده‌ی ایرانی در مهاجرت با جهان فارسی زبان. رویایی شیرین و دلچسب سخن گفت و با زبانی شاعرانه گفتارش را که به فرانسه بود با مهارت با فارسی می آمیخت چنان که حاضران در جلسه را سخت شیفته‌ی گفتار شیرین و دلپذیرش ساخت.

دومین بخش از جلسات صبح به ریاست دکتر علی اشرف صادقی اداره شد. برای این جلسه سه سخنران در نظر گرفته شده بود. دو تن از آنان که در جلسه حاضر بودند سخنرانی کردند. سخنران اول آقای کریستف بالایی بود از مدرسه‌ی السنه‌ی شرقی. او برای داستان نویسان معاصر ایران نامی است شناخته. کتاب و مقالات او در ایران هم به چاپ رسیده است. چند ترجمه از داستانهای معاصر ایرانی هم کرده است که قرار است در فرانسه به چاپ برسد. کریستف بالایی از تفاوت زبان گفتاری و نوشتاری در فارسی ادبی صحبت کرد. سخنران دوم آقای دکتر احمد کریمی حکاک، استاد دانشگاه سیاتل در آمریکا، بود که می خواست درباره‌ی نوشته‌های تازه‌ی فارسی در خارج ایران صحبت کند ولی در آغاز ترجیح داد به معضل یادگیری فارسی در میان کودکان ایرانی در خارج از ایران اشاره کند و دشواریهای کنونی و نیازهای جامعه‌ی ایرانی مقیم اروپا و به ویژه آمریکارا برشمرد. بعد هم به مسائل زبان فارسی در آسیای میانه توجه داد. هر دو صحبت او برای حاضران جذاب بود.

جلسه‌ی بعد از ظهر به مباحث مرتبط با گسترش تازه‌ی زبان فارسی اختصاص یافت. سخنرانان این جلسه سه نفر بودند: حسن حاج سیدجوادی از وزارت ارشاد اسلامی، باقر معین، رئیس بخش فارسی بی بی سی، و احسان منوچهری رئیس بخش فارسی رادیو فرانسه. عنوان سخنرانهای آنان به ترتیب به شرح زیر بود: موقعیت زبان فارسی در دانشگاه‌های مختلف جهان، شنوندگان و تأثیر بی بی سی، و بالاخره: رادیوهای خارجی به فارسی.

پس از تنفس برگزارکنندگان کنفرانس جلسه‌ی پایانی اجلاس را تشکیل دادند و از چند نفر از سخنرانان خواستند که در یک میزگرد شرکت کنند و به پرسشهای حاضران پاسخ دهند و در ضمن این فرصت را فراهم آورند که حاضران در جلسه به‌ویژه جوانان بتوانند نظریاتشان را بازگو کنند. این جلسه مسیر طبیعی خود را طی نکرد ولی با شور و هیجان و پیشنهادهای چند برای آینده به کار خود خاتمه داد. پیش از پایان جلسه آقای یان ریشار که از برگزارکنندگان اجلاس بود قطعنامه‌ای را قرائت کرد که خواستار توجه بیشتر یونسکو به زبان فارسی بود. از این گذشته در این پیش‌نویس آمده بود که یونسکو به‌دائرةالمعارف ایرانیکا یاری برساند. در آغاز قرار بود این نشست پایانی به سیاستهای کشورها در قبال زبان فارسی پردازد ولی در عمل بحثهای گوناگون چنان وقت جلسه را گرفت که دستیابی به‌هدف آغازین به‌نحو مطلوب ممکن نشد.

در آخر جلسه من از دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی فرانسه برای برگزاری این نشست تشکر کردم و گفتم درست است که یونسکو هم به‌برگزاری این اجلاس کمک مالی داده است ولی واقعیت این است که ما به‌دعوت موسسات علمی فرانسه به‌این‌جا آمده‌ایم و نباید این جنبه از کار کنفرانس را نادیده گرفت.

پیرامون برخی از مباحث نشست دوروزه

مطالب عنوان‌شده در این کنفرانس آن‌قدر زیاد بود که نمی‌توان همه‌ی آنها را در گزارشی مختصر جای داد. در این‌جا تنها به‌چند موضوع که به‌نظرم مهم می‌رسند توجه می‌دهم.

۱- همه‌ی شرکت‌کنندگان و سخنرانان بر این باور بودند که زبان فارسی امروز اهمیتی بسیار برای نزدیکی فرهنگی در میان کشورهای فارسی‌زبان و فارسی‌زبانان مقیم کشورهای غیرفارسی‌زبان دارد. حفظ این میراث گرانبه‌تر فرهنگی مورد تأیید همگان بود. تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان عاملی پیونددهنده به‌جای عوامل دیگر نشانگر آن بود که می‌توان اندیشه‌ها و افکار گوناگون را با این زبان که میراث مشترک حوزه‌های فرهنگی گسترده‌ای است، به‌جهان عرضه کرد و با وجود محدودیتهایی که در دو قرن اخیر برای این زبان ایجاد شده است باید با سعی و کوشش گسترده از آن حراست و پاسداری کرد.

امروز، اگر از گروه‌هایی که عناد و لجبازی پیشه کرده‌اند بگذریم، در مقیاسی وسیع این باور رواج یافته است که زبان فارسی تنها به‌یک قوم و کشور محدود نمی‌شود و خاص گروه قومی معینی نیست. زبان فارسی چنان‌که پیشتر و بارها گفته شده است دستاورد مردمان و اقوام گوناگون است و در دوره‌ی تاریخی درخورد توجهی همچون زبان ادبی در حوزه‌ی جغرافیایی گسترده‌ای عمل می‌کرده است. از این گذشته زبان فارسی زبان محاوره‌ی مردمان زیادی بوده و هست و در حوزه‌هایی نیز همچون زبان ملی عمل می‌کرده است. امروز دستیابی به‌میراث مردمان و اقوام مختلفی بی‌آشنایی به‌زبان فارسی ممکن نیست، و در همان حال امروز تنها از راه

زبان فارسی می‌توان با گروه‌های قومی گوناگون ارتباط برقرار کرد. زبان فارسی تنها زبانی است که در منطقه ارتباط میان اقوام مختلف و کسانی را که به زبانهای گوناگون تکلم می‌کنند، ممکن می‌سازد. این نقش زبان فارسی از اهمیتی خاص برخوردار است. در همین چارچوب نباید از نظر دور داشت که زبان فارسی تنها زبانی است که ارتباط میان مردمان بسیاری را در کشورهای مختلف جهان شکل می‌دهد و آنان را به هم می‌پیونداند و به آنان هویت می‌دهد.

ایرانیان، افغانستانیان، تاجیکان و بسیاری دیگر از مردمان منطقه که از حوزه‌ی خلیج فارس، بحرین، عراق، ازبکستان، بخشهایی از قفقاز، هندوستان و پاکستان و دیگر جاها برخاسته‌اند و امروز در خارج مرزهای کشورهای فارسی‌زبان می‌زیند تنها از راه این زبان می‌توانند با هم نزدیک شوند و با هم ارتباط برقرار کنند. از این رو زبان فارسی دو نقش وراقومی و ورا دینی دارد که نشانگر اهمیت آن در جهان کنونی است.

آفرینشهای ادبی و خلاقیت‌های نویسندگی و پژوهشی زیادی هم‌اکنون در جهان در جریان است که از راه زبان فارسی به‌ظهور می‌رسد. در همان حال زبان فارسی زبان علم و دستیابی به علم برای کشورها و گروه‌های قومی متعددی در منطقه است.

این نقشهای چندگانه‌ی زبان فارسی هم‌ی دوستداران فرهنگ مشترک را و می‌دارد که به فکر سیاست‌های تازه‌ای باشند که این زبان را متناسب با جهان امروز از تداوم و استمرار برخوردار سازد و بدانند که زبان فارسی زبانی است زنده و پویا و بالنده.

۲- آقایان روان فرهادی و دکتر علی‌اشرف صادقی از اندیشه‌ی شکل‌گیری یک زبان معیار در منطقه هواخواهی می‌کردند. در فضاهایی که ما اکنون زندگی می‌کنیم چنین اندیشه‌هایی را آسان می‌توان با توسل به برجسبهای رایج از میدان به‌در برد. اما در یک فضای سالم علمی می‌توان با این‌گونه پیشنهادات که هنوز در مراحل آغازین قرار دارند درست و با تأمل برخورد کرد و از آنها برای تقویت و غنابخشیدن به زبان فارسی سود جست. البته اگر چنین کاری فقط از راه اذاری دنبال شود راه به‌جایی نخواهد برد ولی اگر نویسندگان و متفکرانی برجسته از فرهنگ کنونی ما برخیزند و اندیشه‌هایی فراگیر عرضه کنند و مراجع فرهنگی معتبری با تصمیم‌گیری‌های درست به‌میدان بیایند در آن صورت زبان معیار به‌تدریج شکل می‌گیرد و راه خود را در میان فارسی‌زبانان می‌گشاید. جنبشهای اجتماعی و همسوییهای فرهنگی منطقه‌ای در این زمینه نقش موثر و دوراندازی خواهند داشت. در ارتباط با این بحث برخی از شرکت‌کنندگان خواستار تهیه و تدوین فرهنگهای مقایسه‌ای بودند و می‌خواستند که واژگان رایج در سه کشور ایران و افغانستان و تاجیکستان گردآوری و در کنار هم قرار داده شوند. این حرف، سخنی تازه نبود. هم‌اکنون دکتر رواقی با کوششهای پیگیر و ستودنی چنین مهمی را دنبال می‌کند. باید او و کسانی چون او را حمایت کرد تا بتوانند ثمره‌ی کوششهای خود را در اختیار گروه وسیعی از دوستداران فرهنگ مشترک منطقه قرار دهند.

۳- یکی از سخنرانان که به فرهنگ مشترک منطقه علاقه نشان می‌داد و توجه به چنین

مشترکاتی را از آثار پان ایرانیسم نمی دانست، هنوز هشدار می داد که ایران به هندوستان، افغانستان و کشورهای دیگر بی توجه بوده است و ایرانیان نباید به شووینیسیم بگریند و بخواهند دیگران را زیر سلطه‌ی خود در آورند. این سخنان به نحوی ادا می شد که گویی گناه این همه دشواریها در فرهنگ مشترک منطقه به گردن ایرانیان کنونی است. این نوع از استدلال به نظر من فاقد نگرش تاریخی است و فقط به منظور خوشامد همسایگان ما عنوان می شود. کسانی دیگر را هم می شناسم که در این سالهای اخیر حداقل خود من را سخت مورد حمله قرار داده اند و با برچسبهایی چون پان ایرانیسم و چیزهایی از این دست هراسناکند مرا به قول خودشان از صحنه خارج کنند ولی حالا که با تأخیر به وضع تازه دلپستی نشان می دهند تا در این چارچوب جایی دست و پا کنند، وضعی به خود می گیرند که گویی مردمانی معتدل و باخردند و نمی خواهند در منطقه به کسی ظلم شود و ایرانیان به کسی تعدی و تجاوز کنند.

این که گفته شود ایران به این کشورها و فرهنگهای مشترک که عضو یک خانواده اند بی توجه بوده است، حرفی است نادقیق. اندیشه‌ی تاریخی این سخن را نمی پذیرد. ما می توانیم این یا آن سیاست را در دوره‌ی اخیر یا در دوره‌های گذشته در تاریخ معاصر نادرست بدانیم، ولی اگر این استنباط و نگرش را به ایران تعمیم دهیم در آن صورت راهی خطا پیموده ایم و ناهانسته خود را قیم همسایگانمان جلوه گر ساخته ایم. به آسانی می توان گفت چرا هندوستان یا افغانستان یا مثلاً تاجیکستان یا هر جای دیگر در حوزه‌ی فرهنگی مشترک به ایران بی توجه بوده است. ایران کنونی در همین تاریخ معاصر، از مشروطیت گرفته به این سو تا حال چند بار در معرض تجزیه قرار داشته است. خود آگاهی تاریخی در ایران به تدریج دارد قوام می یابد. ایران می بایست پس از جنگهایی که با روسیه داشت نخست خود را جمع و جور کند. گوشه‌هایی دیگر از این سرزمین یا جدا شدند یا در معرض تجزیه قرار گرفتند. هندوستان فرهنگ غنی فارسی خود را باخت و به سود فرهنگ و زبان انگلیسی گوشه‌هایی از حیات خود را تغییر داد تا با وضع تازه‌ای که استعمارگران فراهم آورده بودند منطبق سازد. در افغانستان خصوصت با فرهنگ مشترک ایرانی ابعاد وسیع و نگران کننده‌ای پیدا کرد به نحوی که اگر کسی از ایران نام می برد یا منتسب به ایران می شد از بسیاری از امکانات اجتماعی محروم می گشت. در تاجیکستان، یعنی منطقه‌ای که امروز تاجیکستان نام گرفته است، وضع اسفباری پدیدار گشت که تاجیکان آنرا تیر تقسیم نام نهاده اند. سمرقند و بخارا را در مجموعه‌ای دیگر گنجانند تا فارسی زبانان نیرو و توانی نداشته باشند. در مناطق دیگر فرهنگ مشترک ایرانی چنین رخدادهایی یا رخدادهایی مشابه به وقوع پیوست. اگر این سرنوشت تاریخی را نادیده بگیریم آن‌گاه کودکانه و با تصویری خام به این تصور دامن خواهیم زد که گویی اگر ایران کنونی به مناطق همسایه‌ی خود توجه می کرد می توانست مانع شکلگیری چنین وضعی باشد. در واقع تمامی ایران دستخوش سرنوشت تاریخی اسفباری گشت و نباید گوشه‌ای از آنرا فقط برای جلب رضایت بخشهای دیگر مقصر جلوه داد. این گونه از صافکاریهای فرهنگی راه به جایی نمی برد و تنها اندیشه‌های عامیانه‌ی سیاسی را که دشمن تفکر راستین در دوران اخیر بوده است نیرومند می سازد.

vendredi 19 avril 1996

**LE PERSAN DANS SON NOUVEAU CONTEXTE INTERNATIONAL
PERSIAN LANGUAGE IN ITS NEW INTERNATIONAL ENVIRONMENT**

Président de séance : Tschanguiz Pahlavan

- 9.30 **Ali-Ashraf SADEGHI**, Académie iranienne, Téhéran
Le rôle de l'académie iranienne de langue et littérature dans le développement du persan
- 10.00 **Yadollah ROYA'I**, écrivain, Paris
L'écrivain iranien en exil : sa langue et ses relations avec la persanophonie

Pause

Président de séance : Ali-Ashraf Sadeghi

- 11.00 **Christophe BALAY**, INALCO, Paris
La diglossie en persan littéraire
- 11.30 **Mohammad Reza SHAFII KADKANI**, University of Tehran
Poetic diction in modern Persian, Dari, Farsi and Tajik poetry
- 12.00 **Ahmad KARIMI HAKKAK**, Washington University, Seattle
New Persian writings on the Persian language from outside Iran

Déjeuner

**LA NOUVELLE EXPANSION DU PERSAN
THE NEW EXPANSION OF PERSIAN LANGUAGE**

۱۶

Président de séance : Ravan Farhadi

- 14.30 **Hassan HAJJ SEYYED JAVADI**, Ministry of Islamic Guidance
Situation of Persian language departments in the world's universities
- 15.00 **Bagher MO'IN**, BBC Persian service, London
Listenership and impact of the BBC Persian service
- 15.30 **Ehsan MANOUCHEHRI**, Radio France international, Paris
Les radios étrangères en persan

Pause

16.30 **DEBAT / DEBATE**
LE PERSAN LANGUE INTERNATIONALE
PERSIAN AS AN INTERNATIONAL LANGUAGE

Normes écrites et parlées.

L'expansion récente du persan : un phénomène provisoire ou durable.

La politique des États envers le persan

- 18.00 **Conclusion / concluding remarks**
Yann Richard, Christophe Balay, Bernard Hourcade

Jeudi 18 avril 1996

- 9.00 - Ouverture du colloque / *Opening session* :
Yann Richard, Christophe Balaÿ et Bernard Hourcade
- *L'UNESCO et la langue persane* :
Ehsan Naraghi

**LE PERSAN EN MILIEU NON PERSANOPHONE
PERSIAN LANGUAGE IN NON-PERSIAN-SPEAKING AREAS**

Président de séance : Ahmad Karimi Hakkak

- 9.30 Ahmad JALALI, Oxford University
Teaching Persian in Great Britain
10.00 Sharif Husain QASEMI, University of New Delhi
Persian as a language of culture in India

Pause

Président de séance : Marc Gaborieau

- 11.00 David MENASHRI, Tel Aviv University
Persian among the Jewish community in Israel and the West
11.30 Hassan EL-MAZOUNI, Université de Meknes
L'enseignement du persan au Maroc et dans le monde arabe
12.00 Aladin GOUSHEGIR, Université d'Ahwaz
L'usage du persan chez les arabophones du Khuzestan

Déjeuner

**LE PERSAN EN ASIE CENTRALE ET AU CAUCASE
PERSIAN LANGUAGE IN CENTRAL ASIA AND CAUCASUS**

Président de séance : Bagher Mo'in

- 14.30 Moukhammad ASSIMOV, Academy of sciences of Tajikistan
Persian in Central Asia : past present and future
15.00 Tschanguiz PAHLAVAN, Tehran
The influence of war and revolution on the expansion of Persian language in the region

Pause

Président de séance : Gilbert Lazard

- 16.00 Irène NACHKEBIA, Université de Tbilisi
Le persan en Géorgie, histoire et situation actuelle
16.30 Ali RAVAGHI, Université de Téhéran et Académie iranaïenne
Le persan du Tajikistan
17.00 Ravan FARHADI, Mission d'Afghanistan près l'ONU, New York
Vers un persan standard entre l'Iran, l'Afghanistan et le Tadjikistan
18.00 Réception au CNRS

CSH
17

CENTRE NATIONAL DE LA RECHERCHE SCIENTIFIQUE
SORBONNE NOUVELLE (UNIVERSITÉ PARIS III)



INSTITUT D'ÉTUDES IRANIENNES
L'ORIENT ET MONDE ARABE
PARIS III

MONDE IRANIEN
UNITÉ MIXTE DE RECHERCHE 155
CNRS / PARIS III

avec le concours de l'UNESCO
de l'Institut National des Langues et Civilisations Orientales
et de l'Institut Français de Recherche en Iran

Colloque international

La langue persane dans le monde

Persian Language in the World

زبان فارسی در جهان امروز

۱۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

PARIS
jeudi 18 et vendredi 19 avril 1996
CNRS, 27, rue Paul Bert 94200 IVRY
(métro porte de Choisy)

Secrétariat

CNRS Monde iranien, 27 rue Paul Bert. F.94204 IVRY
Tél. (33 1) 49 60 40 05. Télécopie (33 1) 45 21 94 19
E-mail iran@dr1.cnrs.fr

ما نه تنها در ایران کنونی شووینیسیم نداشته‌ایم، بلکه متأسفانه بخشی از روشنفکری ما همواره تاریخ و فرهنگ ایران را طرد کرده و ناچیز جلوه داده است. همان‌گونه که در جلسه گفتم کشوری چون آمریکا که تاریخی ندارد به کوچکترین چیز خود در این دو قرن گذشته می‌نازد، چرا ما نباید غرور ملی داشته باشیم و به افتخارات تاریخی خود بی‌بالیم؟ استعمال اصطلاحاتی چون شووینیسیم در مورد ایران نه تنها نادقیق، نادرست و بی‌اساس است بلکه به تفاهم فرهنگی در منطقه نیز آسیب می‌رساند و عواطفی را به‌طور مصنوعی برمی‌انگیزاند که با واقعیتها نمی‌خواند و مرزبندی‌هایی پدید می‌آورد که در نهایت به سود کشورهای منطقه نیست. ایران به‌عنوان یک کشور در حال حاضر یک چیز است و ایران به‌عنوان یک فرهنگ که کشورهای مختلف در آن سهیم‌اند چیزی است دیگر. این دو را نباید الزاماً در تمام موارد یکی دانست و به اشتباه مصالح مختلف را که از حوزه‌ی سیاست مبتنی بر حضور کشور-ملتها برمی‌آید با مصالح فرهنگ که اشتراک وسیعی را می‌طلبد به هم آمیخت. ایران کنونی بازمانده‌ی فرهنگ و تمدن وسیعی است و گوشه‌ای از آن به‌شمار می‌رود، چنان‌که افغانستان کنونی بازمانده‌ی تمدن بزرگی است که بخشی از آن در این کشور در هیأت کنونی تجلی یافته، همین وضع را می‌توان در مورد تاجیکستان و ازبکستان و جاهای دیگر در این حوزه‌ی مشترک فرهنگی صادق دانست. اطلاق شووینیسیم یا ناسیونالیسم به‌دوستانان فرهنگ مشترک یا حتی کسانی که بی‌در نظر گرفتن واقعیتها خواستار پیوند سریع و شتابزده‌ی این واحدهای مجزی با هم هستند در بهترین حالت به‌بدفهمی و در بدترین حالت به‌گمراهی و خصومت می‌انجامد.

۴- یکی از نکته‌های مهم که نشست دوازده‌ی پاریس نتوانست به‌آن بپردازد و تنها با چند اشاره از آن گذشت موضوع وحدت و تنوع زبان فارسی در منطقه بود. آیا اصولاً می‌توان به‌نوعی وحدت در زبان فارسی رایج در منطقه دست یافت؟ آیا وجود یک زبان معیار به‌همراه خود دستیابی به وحدت زبانی را نیز میسر خواهد کرد؟ و آیا اصولاً چنین وحدتی را امری مطلوب نیز باید به‌حساب آورد؟ اینها بی‌تردید نکته‌هایی مهم‌اند که باید با اتکاء به‌پژوهشهای موردی و با بهره‌مندبودن از نظریه‌ی تمدنی و با استفاده از روشهای زبان‌شناختی به‌آنها توجه کرد و سامان نوینی را پی ریخت. در واقع اکنون می‌توان گفت که هر گونه سیاست زبانی شتابزده‌ای در این‌چنین مواردی نادرست و زیانبار خواهد بود. در حال حاضر ما با تنوع لهجه‌ها در زبان فارسی در حوزه‌های گوناگون در این فرهنگ مشترک، و حتی با تنوع لهجه‌ها در ایالات واحدهای سیاسی یعنی کشورها روبه‌رو هستیم که این امر فی‌نفسه مشکل‌آفرین نیست که هیچ، به‌غنا و شیرینی زبان فارسی نیز خواهد افزود. تنوع اگر در محور زبان اصلی شکل بگیرد و بالنده شود به‌رشد زبان زیان نخواهد زد، ولی اگر جدا از زبان اصلی و در ارتباط با فرهنگی دیگر تحول بیابد، به‌این امکان میدان خواهد داد که به‌تدریج از زبان و تنه‌ی اصلی خود به‌دور افتد و شکل و شمایل دیگری پیدا کند. از سوی دیگر هر نوع وحدتی به‌تدریج به‌شکلگیری تنوع تازه‌ای می‌انجامد. تردید دارم که در هیچ زمانی وحدت مطلق امکانپذیر گردد. البته در پرتو تکنولوژی ارتباطی جدید فرصتهای ناشناخته و یکسره نوینی برای دستیابی به‌وحدت فراهم آمده است.

اما اگر در نظر بگیریم که همین تکنولوژی بالقوه می‌تواند به گروه‌های اجتماعی مختلفی (از نظر شغلی، محلی، فکری، علمی و جز آن) نیز فرصت عرض اندام بدهد، در نتیجه باز با لهجه‌ها و تنوع دیگر و نواخته‌های مواجه خواهیم گشت. تا هنگامی که یک زبان در عرصه وسیعی کاربرد دارد، به‌نظر من تنوع زبانی به‌شکلها و هیأت‌های مختلف بروز خواهد کرد که البته نمی‌توان از حالا همه‌ی این احتمالات و تجلیات را از پیش مشخص و تعیین کرد. لهجه‌های اصفهانی، هراتی، کابلی، تاجیکی و بسیاری از لهجه‌های دیگر در منطقه در این زمان خاص به‌ویژه عامل مهمی برای غنی‌سازی فارسی محسوب می‌شوند به‌شرط آن‌که دستگاه‌ها، افراد و پژوهشگران مختلف توان بهره‌گیری از آنها را داشته باشند.

هـ موضوع دیگری که اجلاس پاریس در دستور کار خود قرار نداد، و از هر نظر دارای اهمیت ویژه به‌شمار می‌رود، موضوع ارتباط زبان فارسی با زبانهای متعلق به خانواده‌ی زبانهای ایرانی و حتی زبانهای همسایه چون ترکی آذربایجانی، ازبکی، ترکمنی و جز آن است. گرچه این دو گروه از نظر ریشه‌شناسی زبانی با هم تفاوت دارند با این حال به‌سبب تحول خاصی که در حوزه‌ی تمدن گسترده‌ی منطقه صورت پذیرفته است، صلاح در آن است که از نظر سیاست زبانی روشی جامع تنظیم کرد تا بتوان به این دو گروه، یعنی زبانهای خانواده‌ی ایرانی و زبانهای همسایه، دست‌کم در ارتباط با هم و با نگرشی مرتبط و هماهنگ نگاه انداخت تا از جداییها و تأثیرپذیریهای غیر ضرور از بیرون منطقه حتی المقدور پرهیز.

۲۰

زبانهای کردی، بلوچی، پشتو و چون آنها را باید بیش از پیش با روشی علمی به‌زبان فارسی مشترک کنونی در کشورهای فارسی‌زبان نزدیک ساخت و از آنها در نظام واژگان فارسی مشترک بهره جست. از طرف دیگر این زبانها می‌توانند از بسیاری واژگان امروزی نو ساخته‌ی فارسی در نظام واژگانی خود استفاده بچینند به‌جای آن‌که به‌انگلیسی یا روسی روی بیاورند یا به‌واژه‌سازیهای مصنوعی در درون خود توسل بچینند چنان که برخی از سیاست‌گذاران زبان پشتو می‌کردند. این دادوستد نه تنها فارسی که این زبانها را نیز غنی می‌سازد و در دوره‌ای طولانی به‌نزدیک گردانیدن آنها و ایجاد خزانه‌ای مشترک یاری می‌رساند.

در مورد زبانهای همسایه چون ترکی آذربایجانی یا ازبکی که دو شاخه‌ی مهم در حوزه‌ی تمدنی ما هستند باید با دقت، تأمل، حوصله و مدارای بسیار اما آگاهانه و با هدف، و در صورت لزوم مبتنی بر شهادت و صراحت عمل کرد. هر دوی این زبانها انباشته‌اند از واژگان فارسی، اما افراطیگری عده‌ای موجب رواج واژگان روسی و ترکی ترکیه‌ای در آنها شده است به‌عوض آن‌که به میراث فارسی که به‌خودشان تعلق دارد توسل بچینند.

آقای قاسمی که از هند در اجلاس شرکت جسته بود سخن زیبایی را مطرح کرد. او گفت ما به‌خاطر خودمان به‌فارسی دلبستگی و علاقه داریم نه به‌خاطر شما فارسی‌زبانان. برای آن‌که بتوانیم ریشه‌هایمان را درک کنیم باید فارسی بدانیم. بسیاری از واژگان کنونی در زبان هندی، فارسی است، باید آنها را شناخت و بر این اساس اقدام کرد. در ادامه‌ی سخن آقای قاسمی

می توان گفت که زبان اردو نیز همین وضع را دارد. در این زبان واژگان فارسی و عربی زیادی وجود دارد که واژگان عربی هم در واقع عربی-فارسی اند. در کنار آنها واژگان انگلیسی راه یافته اند چون که تکنیک و ابزار و دستگاه اداری جدید از سوی انگلیسیان وارد آن منطقه شد. تاکنون هیچ سیاست زبانی منسجمی برای نزدیک ساختن هندی و اردو با فارسی وجود نداشته است و ادیبان ما نیز به آن فکر نبوده اند. یکی از دوستان در پاریس که به زبان هندی عشق می ورزد و آن را فرامی گیرد سخنی اندیشه برانگیز می گفت. به عقیده ی او یکی از فرصتهای گسترش زبان فارسی آشنایی با امکانات هندی و اردو و ترویج واژه های فارسی در این دو زبان است تا بتوان وامگیری از زبان انگلیسی را کاهش داد. این کار البته دشوار است و نیازمند مجموعه ای از هماهنگیها در پاکستان و هندوستان است. اردو تا چندی پیش میان هندی و فارسی عمل می کرد و هنوز هم می کند. شاید یک چاره آن باشد که این نقش اردو تقویت شود و نگذاشت آلودگیهای آن به زبان انگلیسی افزایش یابد. به قول همین دوست، سینمای هند پس از جنگ جهانی این نقش را ایفا می کرد و نمی گذاشت اردوزبانان از حوزه ی هند دور شوند. البته سینمای کنونی هند سخت غربزده شده است و واژگان انگلیسی فراوانی در گفتگوهای عادی راه گشوده است. به هر حال آن چه مهم است توجه و رویکردی تازه به زبانهای هندی و اردو در مجموعه ی سیاستهای زبانی در ایران است.

۶- در سخنرانی ام که به تأثیر جنگ و انقلاب در منطقه بر زبان فارسی می پرداخت، به منظور پرهیز از بدفهمیهای رایج توضیح دادم که قصد من فقط بررسی آثار عینی این دو پدیده ی مهم و دورانساز در این منطقه است و گرنه قصد ارزشداوری در مورد خود این دو پدیده را ندارم. نمی خواستم از بحثی به بحثی دیگر کشیده شوم. از این دو پدیده دو تعریف به دست دادم و سپس که شیدم نشان دهم چگونه پدیده ی جنگ و انقلاب بر گسترش زبان فارسی تأثیر نهاده است. گفتم رویدادهای مهم منطقه ای در این دوره ی اخیر بیست ساله چنین اند: انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، قیام مجاهدین افغانستان علیه تجاوز شوروی، فروپاشی شوروی و بالاخره جنگهای مشروعیت در افغانستان و تاجیکستان. این مجموعه به نظر من به گسترش زبان فارسی در منطقه کمک کرده است. این نتیجه گیری البته جنبه ی اخلاقی ندارد، چنان که جنگ به رشد جراحی و رشته های علمی دیگر هم کمک می رساند هر چند که پدیده ای نامطلوب است. ما با آثار عینی این رویدادها در این جا سروکار داریم. تجاوز روسیه به افغانستان می خواست هر گونه ارتباط این کشور را با ایران از میان بردارد ولی به نتیجه ای مخالف انجامید. حتی وقتی که کارگزاران یک حزب خاص سیاسی به افغانستان رفتند تا به تحکیم پایه های رژیم کمونیستی در آن جا کمک بدهند، فعالیتهای تبلیغاتی و سیاسی شان به زبانی بود که روسیان برای محو آن می کوشیدند و پشتونیزم نیز برای تحقق یافتن این آرزو تخیلات می پروراند. این بحث را در نوشته ای جداگانه می آورم، از این رو در این جا از تفصیل بیشتر چشم می پوشم...

۷- و اما واژه سازی و دشواریها و سیاستهای مرتبط با آن. در کنفرانس پاریس دوسه نفری که در این باره سخن گفتند همه بر این باور بودند که واژه سازی نباید جنبه ی افراطی داشته باشد. دکتر

صادقی گفت بنا بر پژوهش آقای کافی که به چاپ رسیده است حدود شصت درصد از واژگان وضع شده توسط فرهنگستان اول امروز در زبان فارسی جا افتاده و کاربرد عادی یافته است. بنا بر نظر ایشان چنین وضعی در مورد فرهنگستان دوم وجود ندارد و به جز یک واژه، هیچ یک از واژگان وضع شده در آن فرهنگستان با اقبال عامه روبه رو نشده است. گرچه خود از موافقان سیاستهای واژه گزینی در فرهنگستان دوم نبوده ام، اما کوششهای آن فرهنگستان را بی ثمر نمی دانم. فرهنگستان دوم هم خدماتی داشته است که باید روزی با انصاف و مبتنی بر یک روش شناسی با آن برخورد کرد. روش بازگشت به اصل و ریشه و بهره گیری از زبانهای باستانی هنوز روشی درخور توجه و دست کم بحث انگیز است. در مواردی صحت استفاده از چنین روشی بر کسی پوشیده نیست هر چند که می توان نسبت به تعمیم دادن این روش برای همه ی موارد تردید داشت و در مواردی هم روشهای دیگری پیشنهاد کرد. آنچه مهم است و امروز بسیاری با آن موافقت این است که واژه گزینی نباید به فقر یک زبان منتهی شود و آن را از آنچه دارد محروم کند. اندوخته ی زبانی نباید به سبب کسب واژه های تازه کنار گذاشته شود. به همین دلیل فضای عمومی کنفرانس بر این نظر بود که نباید از واژگان موجود عربی تبار در زبان فارسی چشم پوشید و از آنها صرف نظر کرد. واژگان موجود عربی در زبان فارسی در واقع جزئی از گنجینه ی واژگان ما شده اند و به یک اعتبار عربی به شمار نمی روند. نکته ای دیگر که به این بحث می توان افزود این است که سیاست واژه گزینی نباید ما را با کشورهای مردمان فارسی زبان در منطقه و در جهان بیگانه سازد و فاصله ی زبانی ایجاد کند. شاید این جنبه از واژه گزینی مهمترین جنبه ی آن باشد. برای علوم جدید به ویژه علوم اجتماعی اگر از واژه گزینی بجا و ضرور دوری بجویم ناخواسته به روسی و انگلیسی فرصت عرض اندام می دهیم ولی در زمینه ی ادبیات و گزارش نویسی می توان از اعتدال بیشتر کمک گرفت و به افراط و تفرق امید نیست. با این حال چنان که در این اجلاس گفتم فرهنگ در اساس رشد ناموزون دارد و بسته به توانهای موجود در گوشه های مختلفش عمل می کند. تصمیم گیریهای اداری اگر زبان نزنند نمی تواند همواره مشکل گشا باشد.

در حاشیه ی اجلاس پاریس

— جلسات دوازده روزه در مرکز ملی تحقیقات فرانسه برگزار شد. همه ی جلسات پر بود از ایرانیان و خارجیان و هیچ گاه تالار را خالی ندیدم. همین امر نشانگر دلبستگی ایرانیان خارج از کشور به فرهنگ و زبان خود بود.

— گرچه برخی در شمار سخنرانان نبودند ولی با پرسشها و طرح نظریات خود سهمی فعال در اجلاس پاریس داشتند. از آن میان باید از دکتر فیروز باقرزاده نام ببرم که در تمام مباحث فعالانه و دلسوزانه شرکت جست و این نشست را با فروتنی و بزرگواری یاری داد.

— استاد احمد بیرشک و دکتر حسن هنرمندی می خواستند مطالبی بگویند اما با آن که چند بار به آنان وقت داده شد از این که نمی توانستند به دلخواه خود عمل کنند ناراضی گشتند. یک بار

که اداره‌ی جلسه به عهده‌ی من بود به استاد بیرشک وقت دادم که نظریاتش را بگوید. پس از آن که صحبتش پایان یافت بسیار خوشحال شدم که توانستم نظر استاد را تأمین کنم، به همین سبب گفتم ارزش فرهنگی کار و کوششهای استاد به مراتب بیش از آن است که از ایشان شنیدیم. اما در جلسات بعد باز ایشان تقاضای وقت می‌کردند و به سبب محدودیت زمان این امکان فراهم نمی‌گشت که رضایت استاد به دست آید... دکتر حسن هنرمندی که برای شاعران نوپرداز نامی است شناخته و از پیش کسوتان به شمار می‌رود گفت من از جهان دیگر می‌آیم و می‌خواهم وصیتنامه‌ام را بخوانم. هنگامی که به او وقت داده شد شعری زیبا و مفصل را می‌خواست بخواند که نقدی بود بر وزن در شعر فارسی. با این حال چون نتوانست در وقت مقرر سخنش را به پایان ببرد، رنجیده خاطر گشت. هر دوی این عزیزان در خور احترام هستند، اما امروز می‌اندیشم که اگر ما ایرانیان فرصتهای مختلف برای اظهار نظر داشته باشیم آن‌گاه هر کس می‌تواند در جای خود سخن بگوید بنی آن‌که کسی بر نجد.

دکتر روان فرهادی که با لهجه‌ای شیرین سخن می‌گفت حضور یک شهروند برجسته و فرهیخته‌ی افغانستان را به نمایش می‌گذاشت. ایرانیان به تدریج می‌فهمند که چه دانشمندانی در دیگر کشورهای فارسی‌زبان وجود دارند. ما هنوز نیاموخته‌ایم که با افغانستانیان و تاجیکان نشست و برخاست داشته باشیم. تفاوت‌های رفتاری و اندیشه‌های عامیانه مانع این کار شده‌اند. با این حال باید بگویم که مردم عادی، دور از چشم تحصیلکرده‌گان و روشنفکران با هم نشست و برخاست داشته‌اند. روزگار تازه‌ای را بنیان نهاده‌اند که بعدها اهمیت آن‌را درک خواهیم کرد. در این اواخر نشریه‌ای را دیدم که خواسته بود به موضوع مهاجران علاقه نشان دهد. متأسفم بگویم که این کار با توسل به روش اندیشه‌برداری، ارجاع‌ندادن به اصل فکر و از همه بدتر تفنن‌طلبی شکل گرفته بود. کسانی که با بدیهی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی آشنایی ندارند به نتیجه‌گیریهای روزنامه‌نگارانه دست می‌زنند که ارزشی ماندگار ندارد. یک نمونه‌گیری نادرست و تعمیم‌ناپذیر و چند مصاحبه و یک نوشته‌ی سطحی راه به جایی نمی‌برد. این کار نه به قصد تفاهم پا گرفته است و نه به نیت ارتقاء درک علمی. کسانی که تفاوت میان رفتار واقعی (comportement) و نگرش به یک موضوع (attitude) را نمی‌دانند و با مسائل تصویرسازی در یک گروه اجتماعی از گروهی دیگر آشنا نیستند، حداقل باید با احتیاط سخن برانند و از تفنن‌طلبی بپرهیزند.

از این‌که بگذریم دکتر روان فرهادی معتقد بود که زبان گفتاری در هر یک از این کشورها آن‌چنان از هم متفاوتند که چاره‌ای نیست جز تقویت و حمایت از آموزش زبان ادبی به شکل نوین آن. این سخن دکتر روان فرهادی اهمیت دارد و چنان‌که در بالا آوردم حق است که با تأمل با آن روبه‌رو شد.

دکتر روان فرهادی بر این باور بود که هشتادوپنج درصد از واژگان زبان مدرن فارسی به گونه‌ای که در روزنامه و دیگر رسانه‌های جمعی به کار می‌رود میان این سه کشور مشترک است. او از این واقعیت استقبال می‌کرد و می‌خواست از این راه زمینه‌هایی برای کوششهای مشترک در

آینده طراحی کند. به نظر او می‌بایست امکاناتی فراهم آورد تا بتوان به‌روزنامه‌نگاران، نویسندگان و آموزگاران راجع به زبان مشترک آموزش داد.

دکتر روان فرهادی خواستار فرهنگهای تازه‌ی فارسی بود، او فرهنگ معین را ارج می‌گذاشت اما بر این عقیده بود که شصت تا هفتاد درصد از واژگان آن به زبان کلاسیک فارسی و کاربرد فارسی ادبی در قرنهای گذشته اختصاص یافته است. امروز فارسی‌زبانان جهان به فرهنگی نیاز دارند که به جملات عادی روزمره و همچنین زبان ادبی مدرن توجه بکند. چنین فرهنگی که جملات فارسی مدرن را در بر بگیرد باید با توجه به تجربیات و واقعیات سه کشور افغانستان، تاجیکستان و ایران فراهم بیاید و در دسترس نویسندگان، آموزگاران و روزنامه‌نگاران قرار بگیرد. — در طول کنفرانس همواره از سه کشور فارسی‌زبان سخن می‌رفت. قطعنامه‌ای هم که خطاب به یونسکو تهیه شده بود به همین موضوع اشاره داشت. من گفتم این حرف دقیق نیست. جمعیت فارسی‌زبان در ازبکستان کنونی بیش از جمعیت فارسی‌زبان در تاجیکستان است. پس تقاضا کردم بنویسند «به خصوص» در این سه کشور تا حق دیگر فارسی‌زبانان از بین نرود.

— سخنرانیهای خوب این کنفرانس را افراد زیر ایراد کردند: دکتر روان فرهادی، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر کریمی حکاک، دکتر علی رواقی، دکتر کریستف بالایی، دکتر قاسمی، دکتر دیوید مناشری، یدالله رویایی. دیگر سخنرانیها هم هر یک نکته‌هایی سودمند و آگاهی‌هایی مفید در بر داشتند.

— از دکتر علی رواقی که در سخنانش به فارسی رایج در گوشه‌های مختلف فرهنگ ایرانی و ساختارهای آن توجه می‌داد پرسیده شد که زبان فارسی معیار کدام زبان است؟ دکتر رواقی در پاسخ گفت زبان کنونی ما ادامه‌ی زبان سعدی است. او راجع به تفاوت و همگنی ساختارهای زبان فارسی در حوزه‌ی فرهنگ ایرانی نکات سودمندی بیان داشت که امیدوارم متن کامل آن جداگانه به چاپ برسد. به هر روی حضور دانشمندانی چون دکتر علی رواقی و دکتر علی اشرف صادقی در این مجمع بسیار سنجیده بود و مفید.

— یکی از آقایان که گویا عضو شورای گسترش زبان فارسی در وزارت ارشاد هم باشد از حاضران خواست هر پیشنهادی که به نظرشان در جهت کمک و تقویت زبان فارسی سودمند و مؤثر می‌افتد، طرح کنند تا ایشان و همکارانشان آنها را به اجرا درآورند. کسی پیشنهاد نداد. من از این فرصت بهره‌جوستم و برای این که در ضمن آن فضای سرد را بشکنم، پیشنهاد کردم که آقایان سعی کنند به ایران‌شناسان و دانشجویان رشته‌ی زبان فارسی در کشورهای مختلف جهان روایتی درود به ایران بدهند و از سخت‌گیرها در این زمینه بکاهند.

— جلسات دوروزه‌ی اجلاس «زبان فارسی در جهان امروز» با همه‌ی کاستیهایش، گامی بود مفید به منظور تأکید بر اهمیت زبان فارسی. حاضران در این اجلاس امیدوار بودند که این کوشش آغازین تقویت شود و فعلیتهای تازه‌ی طراحی گردد. موفقیت و کامیابی چنین نشستهایی بسته به این است که اندیشه‌های گوناگون را عرضه کنند و از رویارویی اندیشه‌ها هراسی در کار نباشد.

در حالی که در امریکا اندیشگرانی چون گراهام فولر با ایجاد یک «کمبرند فارسی» در منطقه مخالفت می‌کنند و در نتیجه شکلگیری و نیرومندی مجدد تمدن ایرانی را نلی‌پسندند، برگزاری چنین مجامعی را باید به‌فایده نیک گرفت هر چند که همه‌ی برگزارکنندگان این مجمع از نتایج آن راضی نباشند. در واقع مجمع پاریس بر خلاف میل برخی از افراد بر حضور فرهنگی زبان فارسی در منطقه تأکید گذاشت و از اهداف محدود علمی خود و راتر رفت. همین جنبه از مجمع پاریس را می‌توان پی گرفت و فعالیت‌هایی اندیشیده به‌دنبال آن تدارک دید. چندتنی در این مجمع انتظار داشتند که بر خوردهای فکری تندی بروز کند که نشانگر اختلاف نظر بر سر زبان فارسی و بین فارسی‌زبانان باشد ولی رفتار متین و آمیخته با مدارای شرکت‌کنندگان چنان فضای علمی و دوستانه‌ای پدید آورد که سرانجام یکی از خارجیان با دلسردی گفت این مجمع به‌دست ایرانیان افتاد. در حالی که درست آن می‌بود که گفته شود این اجلاس در جهت تمایل دوستداران فرهنگ مشترک منطقه سیر کرد.

از دیهشت ۱۳۷۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی